

منازل و کانون خانواده‌ها به نحوی مؤثر منتشر نماید.

منزلت ((نهاد خانواده))

از دیدگاه جامعه‌شناسی «نهاد خانواده» به منزله بنیادی‌ترین و اصلی‌ترین کانون اجتماعی و زندگی مدنی شناخته شده است. نهاد خانواده از نگاه دین مبین اسلام و تعالیم دینی به مثابه «مقدس‌ترین» نهاد اجتماعی توصیف گردیده است و تلاش برای رشد و اعتلای آن در جنبه‌های معنوی و مادی وظیفه اساسی و مهم جامعه، والدین و فرزندان برشمرده شده است.

عالمان و اندیشمندان برای نهاد خانواده به آن میزان اهمیت قائل شده‌اند که خانواده را مهمترین عنصر حفظ سلامت، ثبات، پویایی و تعالی جامعه تلقی کرده‌اند. آنان اعتقاد دارند، نهاد خانواده، نقطه عطف «فرود» یا «فران» ارزشها، پیشرفت و توسعه هر جامعه است.

نهاد خانواده به موجب آن که تربیت فرزندان جامعه از آنجا آغاز می‌شود و نیز قالب و خمیرمایه آنان برای زندگی در جامعه آتی، در این نهاد طراحی و پی‌ریزی می‌گردد؛ در دین مبین اسلام مورد تکریم فراوان واقع شده است. خانواده نخستین نهادی است که شیوه زندگی فردی و اجتماعی را به فرزندان - در واقع نسل آینده - معرفی کرده و یاد می‌دهد. بنابراین خانواده رمز خوشبختی هر جامعه را در دست دارد.

از سویی دیگر، نهاد خانواده مظهر فرهنگ و هنجارهای ملی هر جامعه است. جدای از برخی موارد نادر، فرهنگ، اعتقادات، آداب، سنت، هنجارهای اجتماعی و دیگر ویژگی‌هایی که هویت هر ملت و قوم را بارز می‌سازند؛ جملگی در اندیشه و رفتار نهاد خانواده متبلور است. در واقع نهاد

آموزش؛ پل ارتباطی ((نهاد خانواده)) و ((نهاد تعاون))

مهندس محمدرضا عباسی

مقدمه

در وضعیت کنونی اقتصاد کشور، بهره‌جستن از «خدمات تعاون» برای عامه مردم یک الزام اساسی به شمار می‌رود. اکنون مسئولان بخش تعاون کشور می‌بایست ترتیبی اتخاذ کنند تا بدان وسیله گسترش «شبکه تعاونی کشور» و در نتیجه دستیابی به تعاون برای همه

خانواده‌ها مقدور گردد. شرایط فعلی ایجاب می‌کند که حتی شبکه تعاونی کشور به آن میزان گسترده شود تا امواج خدمات تعاون به داخل منازل و خانواده‌ها راه یابد.

از سوی دیگر، «نهاد خانواده» به مثابه بنیادی‌ترین و ذینفع‌ترین نهاد اجتماعی است که می‌بایست مستقیماً از «نعمت تعاون» برخوردار شود. زیرا فلسفه و هدف اساسی تمامی

سرمایه‌های انسانی و مادی نهضت جهانی تعاونی آن است که نهاد خانواده از خدمات تعاونی بهره‌مند شود. بر پایه این هدف، هرچه نتایج و فایده‌های «تعاون» بهتر و بیشتر شود، وضعیت برخورداری نهاد خانواده از فعالیتهای تعاونی نیز

بهتر و بیشتر خواهد شد.

نکته مهم آن است که برای بهره‌مندی هرچه مطلوبتر خانواده‌ها از مزایای تعاون، می‌بایست بخش تعاون بیش از گذشته زمینه مشارکت فعالتر خانواده‌ها را جهت پیوستن به نهضت تعاونی فراهم سازد.

مهمترین رویکرد شناخته شده برای



تقویت مشارکت و گرایش دادن مردم به همکاری با تعاونیها «آموزش» است. با توجه به مطالب بالا، ضروری است «آموزش تعاون» بیش از گذشته، اهداف و برنامه‌های خود را بر نهاد خانواده متمرکز سازد و امواج خود را به داخل

نهاد خانواده از نگاه دین مبین اسلام و تعالیم دینی به مثابه «مقدس ترین» نهاد اجتماعی

توصیف گردیده است و تلاش برای رشد و اعتلای آن در

جنبه های معنوی و مادی و وظیفه اساسی و مهم جامعه، والدین و فرزندان بر شمرده شده است

نهاد (خانواده و تعاون) برای نیل به توسعه یافتگی تقویت گردد. بهسازی فرایند ارتباط از طریق آموزش و تجهیز عناصر ارتباط میسر خواهد شد. در همین جا است که اهمیت آموزش تعاون در توسعه و تعالی «نهاد خانواده» و نیز جامعه بارز می گردد.

یک نکته: «نهاد خانواده» نمونه صادق یک واحد تعاونی است. این نکته باید در پرورش فرزندان از سوی والدین مورد توجه قرار گیرد.

پسرم، خانواده یک واحد تعاونی است^(۱)

«پسرک به آشپزخانه رفت و کاغذی را به مادرش که مشغول آشپزی بود، داد. مادر کاغذ را گرفت و دید روی آن نوشته شده است:

برای چیدن چمن ها ۵ دلار

برای تمیز کردن اتاق ۱ دلار

برای رفتن به مغازه ۵۰ سنت

برای نگهداری بچه ۲۵ سنت

برای بردن آشغالها ۱ دلار

برای گرفتن کارت آفرین ۵ دلار

برای تمیز کردن حیاط ۲ دلار

جمع ۱۴/۷۵ دلار

در حالی که پسرک منتظر دریافت پول بود، مادر بعد از لحظه ای تأمل، قلم را برداشت و پشت کاغذ (صورت حساب) پسرک نوشت:

نه ماهی که تو را در شکم حمل کردم

بدون هزینه

تمام شبهایی که از تو پرستاری کردم

بدون هزینه

تمام ایامی که برای تو اشک ریختم و

برایت دعا کردم بدون هزینه

تمام شبهایی را که با دلهره گذراندم

علاقه و رغبت شدیدی به اجرای فعالیت گروهی در جنبه های مختلف زندگی از خود بروز می دهند.

با توجه به مطالب یاد شده، نهاد خانواده، نهادی است که ذاتاً عناصر آن با هم سنخیت فراوان دارند. اما، عملکرد موفق آن در گرو برقراری ارتباطات بین فردی و اجتماعی نهفته است. به طور کلی، نهاد خانواده همواره از دو مدل ارتباطی مؤثر است:

الف- ارتباط درونی یا ارتباطات درون خانواده ای: این مدل ارتباطی شامل مجموعه ارتباطات مابین پدر، مادر و فرزندان با یکدیگر است. در شرایط منطقی این نوع ارتباط بسیار قوام یافته و قوی است.

ب- ارتباط بیرونی یا ارتباطات اجتماعی: این مدل ارتباطی شامل مجموعه ارتباطات هریک از افراد خانواده با دیگر افراد جامعه و ارتباط نهاد خانواده با سایر نهادهای جامعه است. ارتباط نهاد خانواده با نهادهای جامعه در واقع برآیند نمودار عینی ارتباطات درونی خانواده است.

در جنبه ارتباط بیرونی یا ارتباطات اجتماعی، مسأله «تأمل» و «تقابل» نهاد خانواده با سایر نهادهای جامعه مسأله ای قابل توجه است. این تأمل در واقع بیانگر وجود ارتباطات فعال مابین خانواده و جامعه است که هر چه منطقی، معقولانه، معنی دار و آسانتر اتفاق افتد به توسعه و تعالی خانواده و نیز توسعه فرهنگی - اجتماعی جامعه منجر خواهد شد.

از آنجا که تعاون اساساً بر پایه نوعی ارتباط معنی دار و پویا ایجاد و تداوم می یابد و بنای خانواده بر ارتباط گذاشته شده، بنابراین لازم است فرایند ارتباط در این نو

مدل بنیانی برای پاسداری از تمامیت فرهنگ هر جامعه فرض نمود. بنابراین، خانواده پایگاه اصلی برای مبارزه با گرایشات سواجتماعی و ناهنجاریها و عوارض سوا فرهنگی نیز هست. دفع ریشه ای دستاوردهای فرهنگی بیگانه و غیربومی تنها به همت و تلاش نهاد خانواده امکان پذیر خواهد بود.

از بُعد آسیب شناسی اجتماعی، خانواده های ناموفق و از هم گسیخته عموماً خانواده هایی هستند که در افراد آنها هم اندیشی، همکاری، تعاون، فعالیت اجتماعی و در نتیجه احساس تعلق به خانواده سست و ضعیف است. اعضای خانواده های شکست خورده، آگاهانه یا ناآگاهانه در فعالیتهای درونی خانواده تمایلی به همفکری و مشارکت در فعالیتهای گروهی از خود نشان نمی دهند. در فرایند فعالیتهای جاری حتی گاهی اعضای اینگونه خانواده ها در مقابل کار جمعی از خود مقاومت منفی نیز نشان داده و بر فعالیت فردی - هرکس به راه خویش - پای می فشارند. این در حالی است که در خانواده های موفق و متحد، تعاون و همکاری حرف آغازین هر اقدام و فعالیتی است. افراد این خانواده ها از روی استدلال و منطق،



بدون هزینه

خریدن اسباب‌بازی، غذا، لباس و حتی پاک‌کردن دماغ‌تو! بدون هزینه

و جمع اینها، قیمت عشق واقعی، بدون هزینه

کاغذ را به پسرش داد. پسرک مطالب را خواند. و با چشمانی اشک‌آلود توی چشمهای مادرش نگاه کرد و گفت: - مادر! تو را از ته دل دوست دارم. قلم را برداشت و با حروف درشت نوشت: «تمام هزینه‌ها به طور کامل دریافت شد».

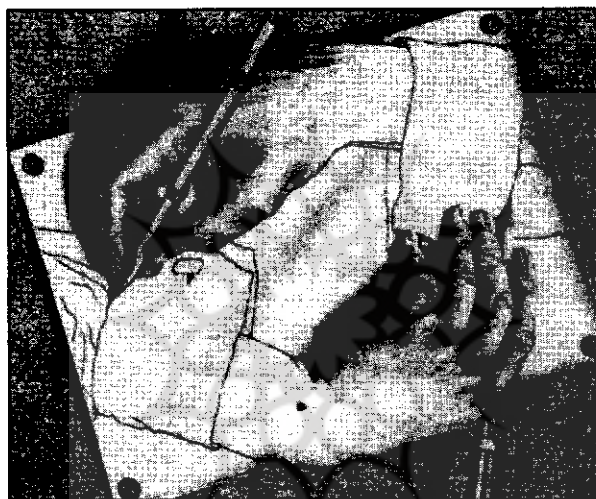
آموزش: تقویت‌کننده ارتباط خانواده و تعاونیها

وضعیت پیچیده اقتصادی - اجتماعی موجب شده است، خانواده‌ها با مفهوم تحول یافته‌تری از «ارتباط» مواجه شوند. هر خانواده برای ادامه حیات اجتماعی - اقتصادی خود ناچار است ارتباط معقولی با نهادهای گوناگون جامعه داشته باشد. بدیهی است «ارتباط» مزبور در واقع تنها محلی است که یک خانواده توسط آن نیازهای مادی و

معنوی خود را مرتفع ساخته و بر حل مشکلات فائق خواهد آمد.

از سوی دیگر، یکی از نهادهای اجتماعی که در رشد و توسعه اقتصادی - اجتماعی ممالک نقش داشته است، نهاد تعاون است. این نهاد بر کنش و واکنش و ارتباط متقابل با سایر نهادهای اقتصادی جامعه است. از این رو، نمی‌توان از کنار مقولات و مسایل آن بی‌تفاوت گذشت. بدیهی است کارایی تعاونیها تا حد زیادی بستگی به برقرار کردن ارتباط صحیح خانواده با نهادهای تعاون نسبت به سایر نهادهای اقتصادی است. اینک هنگام آن رسیده است که برای رشد

و توسعه اقتصادی - اجتماعی جامعه را به دنبال خواهد داشت، آموزش تعاون فعالتر از گذشته وارد صحنه شود و پیامهای آموزشی خود را تا اعماق جامعه و درون خانواده‌ها گسترده سازد. بدون شک آموزش تعاون عنصر اساسی برای تقویت «ارتباط» مردم با نهضت تعاونی است و از این مسیر است که نهاد خانواده قادر خواهد شد عضو فعال و مشارکت‌جوی تعاون باشد و از نعمتهای این نهضت بهره‌مناسب را ببرد.



اهمیت آموزش تعاون برای خانواده

در رویکرد «تعاون» و «آموزش» از بدو شکل‌گیری تعاونیهای امروزی با همدیگر کاملاً عجین و بر هم تنیده بوده‌اند. این دو رویکرد بر هم تأثیرگذار و از هم تأثیرپذیرند. در واقع مابین آنها یک ارتباط متقابل مداوم و پیوسته وجود دارد که تعاونگران و دست‌اندرکاران تعاون برای گسترش بخشیدن فعالیت‌های تعاونی همواره سعی و تلاش خود را صرف بهبودبخشی و بهسازی این ارتباط کرده‌اند.

تجارب نهضت تعاونی در اکثر قریب به اتفاق ممالک حاکی از آن است که تشکلهای واقعی و پایدار تعاونی نتیجه فعالیت‌های

آموزشی و فرهنگی مداوم در سطوح مختلف جامعه بوده است. این تجارب نشان می‌دهند که بخش عمده‌ای از علاقمندی، گرایش و اعتماد رو به توسعه و چشمگیر مردم جهان به تعاون ناشی از آموزشهای انجام شده است.

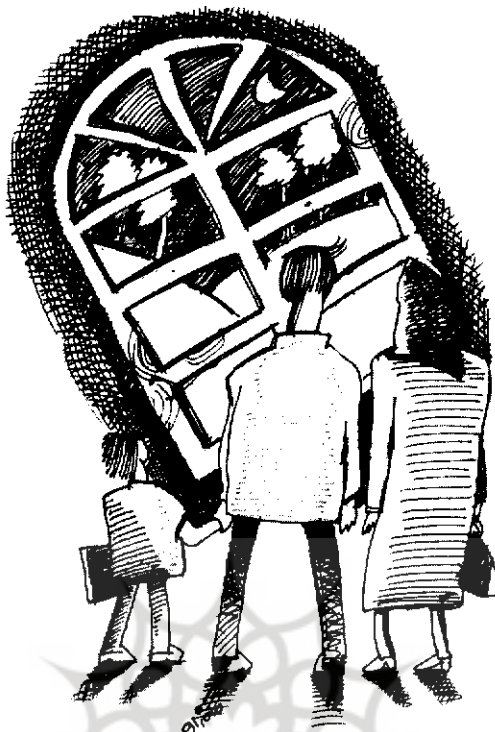
اما، در این میان نکته اصلی که به چشم می‌خورد آن است که سوق دادن و گسترش بخشیدن آموزشهای عمومی تعاون به سوی «نهاد خانواده» به منزله یک واحد ساختاری جمعیت هر جامعه چه نقش و اهمیتی برای توسعه نهضت تعاونی خواهد داشت!

در این باره می‌توان بیان نمود که هر شکل تعاونی نتیجه و تبلور ذهنیتی است که «فعالیت گروهی» و «اشتراک اندیشه و عمل» را برترین، اصیل‌ترین و سودمندترین راهکار برای فعالیتهای اقتصادی - اجتماعی می‌پندارد. از این رو، ذهنیت حاکم بر این تشکلهای می‌توانند مناسب‌ترین موضوع و کارکرد آموزش تعاون باشد. زیرا هم موجب توسعه خانواده (بهبود و تعالی فعالیت گروهی درون خانواده) و هم باعث توسعه بخش تعاون و پیوستن خانواده‌ها به نهضت تعاونی‌ها می‌گردد.

امرواقعی و میرهن آن است که «تعاون» و «تعاونیها» اصالتاً نهادهایی مردمی، مشارکتی، درون‌زا و خودجوش هستند. بر این باور، در فرایند گسترش و توسعه تعاونیها «مردم» نقش اول را ایفا می‌کنند. از آنجا که مردم منشأ پیدایش «خانواده» بوده و در این نهاد موجودیت می‌یابند؛ بنابراین می‌توان متصور بود که از یک سو، منشأ اساسی پیدایی، رشد و گسترش تعاونیها «نهاد خانواده» است و از سوی دیگر برآیند همه دستاوردهای اقتصادی - اجتماعی بخش تعاون مستقیماً بر خانواده تأثیر می‌گذارد. به سخن دیگر، تا یکایک آحاد هر خانواده بر سر

تعاون در معنای اصیل و ریشه‌ای، بنای خود را بر مفهوم «توسعه ارتباط» استوار ساخته است. یعنی اصالت و ذات رویکرد «تعاون» با رویکرد «ارتباط گروهی» به شیوه‌ای پویا و قوام یافته در هم تنیده شده است. با این وصف، تعاون و فعالیت‌های تعاونی‌گونه عبارت از «ارتباط اندیشه‌ها» و در پی آن «کردار و رفتار متقابل افراد» با یکدیگر است. شرط لازم برای برقراری این ارتباط نیز متقاعد بودن یا شدن افراد به زندگی تعاونی است. در صورت تحقق آن، گروه «تعاونی‌اندیش» مزبور بضاعت فکری و منابع مادی خود را به مشارکت گروه می‌گذارد و تعاونی تشکیل می‌شود.

«فرد» زمانی به وجود برقراری ارتباط با دیگران احساس نیاز خواهد کرد که به مدد آن قادر شود برخی از مسایل مبتلا به خویش را حل و فصل



به برخورداری از نعمت تعاون هستند. به تفاهم و احساس مشترک دست نیابند، گرایش و پیوستن آن خانواده به نهضت تعاونی امری مشکل و لااقل سطحی و زودگذر خواهد بود. بنابراین گرایش مثبت و علاقمندانه به نهضت تعاونی از سوی خانواده زمانی اصیل و با دوام خواهد بود که یکایک اعضای خانواده در زمینه لزوم پیوستن به آن به درک متقابل رسیده باشند و برای تأمین نیاز و حل مشکلات اقتصادی خویش بهره جستن از مزایای تعاونی را یک الزام تلقی کنند. این نکته در واقع یکی از هدفهای عمده و فلسفه «آموزش تعاون» برای «نهاد خانواده» است.

اعضای هر خانواده اصالتاً ترکیبی از افراد هماهنگ هستند. حال چنانچه اعضای یک خانواده موفق شوند، الگوی

کاملی را از یک گروه هماهنگ و منسجم به نمایش گذارند، خواهند توانست دیگر خانواده‌ها را تحت تأثیر خویش قرار دهند. تا آنجا که برای حل و فصل مشکلات و یاری رساندن وحتى نقطه اتکای خانواده‌های قوم و خویش، همسایه، همشهری و هموطن مورد نظر قرار گیرند. این در حالی است که اگر تحت آموزش صحیح چنین خانواده‌ای نگرشی منطقی و عقلانی به «تعاونگری» و «تعاون‌پذیری» داشته باشد یقیناً به منزله الگوی یک «خانواده تعاونگر» به حساب خواهد آمد. به طوری که دیگر خانواده‌ها را در جهت پیوستن به نهضت تعاونی تشویق و ترغیب سازد.

از بریچه‌ای دیگر می‌توان بیان نمود که «نهاد خانواده» به مثابه یک گروه کوچک متشکل از افراد «هم‌اندیش» قادر است در عرصه فعالیت‌های اجتماعی نقش یک الگوی مؤثر را ایفا کند. اگر یک خانواده به درستی در معرض آموزش‌های تعاون قرار گرفته

است. بنابراین طبیعتاً خواهد توانست به شیوه‌ای آگاهانه، منطقی و هدفمند به فعالیت‌های تعاونی بپیوندد. با این وصف، این خانواده آموزش دیده خواهد توانست در عرصه نهضت تعاون به یک «خانواده پیشرو» تبدیل شود و به عنوان یک «طلایه‌دار» مطمئن برای ترویج فرهنگ تعاون در جامعه خویش مطرح گردد.

مهمترین خصیصه خانواده پیشرو (که از آموزش اثربخش تعاون ناشی می‌شود) آن است که علاوه بر وفاداری عملی به پندار و کردار تعاونی، در عرصه فعالیت‌های اجتماعی نیز روحیه مسئولیت‌پذیری، همکاری، مشارکت، سازگاری، رشد فضایل اخلاقی و فرهنگی را به نمایش می‌گذارد و در حیطه عضویت فعال در تشکلهای تعاونی، اصول و مبانی نهضت تعاونی را زیر پا نخواهد گذاشت.

مبانی آموزش تعاون برای خانواده

کند. بر همین اساس، تمایل به شرکت در فعالیت‌های تعاونی (ارتباط گروهی) زمانی در فرد تقویت خواهد یافت که وی اطمینان حاصل کند فعالیت تعاونی و گرویدن به نهضت تعاونی او را برای فائق شدن بر مشکلات اقتصادی - اجتماعی وحتى برآورده ساختن برخی انگیزه‌های شخصیتی و حتی برطرف ساختن احتمالی حالات نامساعد روحی یاری خواهد رساند. براین اساس، آموزش تعاون هنگامی مفید و سودمند واقع خواهد شد که پاسخگویی نیازهای فوق‌الذکر بوده و همه افراد خانواده را به عنوان «گروه هدف» مورد نظر قرار داده باشد.

چنانچه آموزش تعاون موفق شود حصارها را شکسته و داخل منازل شود تا ارتباط معنی‌دار خود را با گروه‌های مختلف عضو خانواده‌های جامعه (پدران، مادران، دختران، پسران) برقرار کند، آسانترین شیوه، کمترین هزینه و بیشترین تأثیر خواهد توانست تمایلات آنان را برای فعالیت‌های

تعاونی توسعه و تقویت بخشد و آنان را به این آگاهی نایل سازد که از طریق پیوستن به نهضت تعاونی قادر خواهند شد، عمده مشکلات اقتصادی، اجتماعی و حتی روحی خویش را برطرف سازند.

بدون شک، نهاد خانواده در غالب سطوح جامعه ارتباط خود را با تعاون و نهضت تعاونی بهسازی خواهد نمود، اگر از آموزش کافی بهره‌مند شود. در سایه آموزش، نهاد خانواده محیط و کانون خود را برای اعضای خویش خوشایند، امیدوارکننده و جذاب خواهد دید. بر همین پایه تمامی اعضای خانواده همپای هم و با نبرک عمیق و آرای متحد ترغیب به مشارکت مؤثر در فعالیتهای اجتماعی و به ویژه تعاون و تعاونگری خواهد شد.

آموزش «تعاونگری» و «تعاون‌اندیشی» برای نهاد خانواده جدای از اصول محتوایی آن باید رنگ و بویی محلی و بومی داشته باشد، زیرا در غالب خانواده‌هایی که (با عنایت به وضعیت اقتصادی خود) زمینه مناسب‌تری برای گرایش به تعاون و نهضت تعاونی در آنها وجود دارد، عموماً از یک طرف اعضای این خانواده‌ها - به ویژه والدین - با کم‌سوادی و بیسوادی مواجه‌اند و از طرف دیگر با فضای فرهنگ ملی، بومی و سنتی خاص خود زندگی می‌کنند.

از سوی دیگر، امری بدیهی است که اگرچه نهاد خانواده در موارد عادی نهادی سازمان یافته و دارای هنجارهای مشترک و انسجام نسبتاً کاملی است. اما، از دیدگاه روانشناختی و اصول مترتب بر آموزش و یادگیری، اعضای هر خانواده دارای برخی تفاوت‌های عمده فردی هستند. در واقع یک خانواده (جدای از عوامل ژنتیکی) اعضای آن (پدر، مادر، فرزندان) هرکدام ویژگیهای روانشناختی و جامعه‌شناختی و نسبی خصوصیات فرهنگی خاص خود را دارند. از همین لحاظ، آموزش تعاون برای نهاد خانواده

می‌بایست از اصول و مبانی شناخته شده جامعه‌شناسی و روانشناسی بهره‌برداری لازم را به عمل آورد. آموزش تعاون باید به نحوی جاری و ساری گردد که هریک از گروه‌های سنی و هرکدام از گروه‌های فرهنگی عضو نهاد خانواده‌های جامعه (پدران، مادران، فرزندان) به تناسب ویژگیها و بضاعت خویش از آن بهره‌برداری کامل نمایند.

آنچه مسلم است بیش از هرچیز اعضای هر نهاد خانواده از بُعد فرهنگی بهتر از سایر ویژگیها، همدیگر را نرک می‌کنند و به هماهنگی می‌رسند. بنابراین آموزش تعاون از بسستر «فرهنگ خانواده‌ها» - برای پیام‌رسانی، آموزش و ترویج تعاونگری خود، می‌تواند استفاده بهینه را به عمل آورد. در این وضعیت می‌توان امیدوار بود که همه افراد خانواده از آموزش تعاون تأثیرپذیر بوده و پیامهای آن را به شیوه‌ای مناسب باور خواهند کرد.

با توجه به مطالب یاد شده، چنانچه نیروی انسانی شاغل در بخش تعاون چه انتهایی که فعالیت تولیدی و خدمت‌رسانی دارند و چه کارگزاران، برنامه‌ریزان و مدیران و ... به نقش و اهمیت آموزش خانواده برای تحقق توسعه تعاون دقیقاً پی ببرند و عمیقاً آن را باور کنند، یقیناً موفقیت، رشد و گسترش تعاون در عرصه جامعه آهنگ شتابان‌تری به خود خواهد گرفت.

اگر نهاد خانواده در معرض آموزش دقیق و برنامه‌ریزی شده و ترویج صحیح و منطقی فرهنگ تعاون قرار گیرد، خیز عظیم نهضت تعاونی به سوی توسعه و تعالی برداشته خواهد شد. نیروی انسانی شاغل در بخش تعاون می‌بایست خود را کارگزار آموزش و ترویج فرهنگ تعاون تلقی کنند و سعی نمایند از طریق برقراری ارتباط آموزشی و رفتار مناسب با بهره‌گیری از شیوه‌های مؤثر ارتباط اجتماعی، مجموعه‌ای عظیم از مربی و

آموزشگر را برای توسعه تعاون فراهم نمایند تا بدین وسیله جاذبه قدرتمندی را برای نهضت تعاونی در نزد خانواده‌ها خلق کنند.

بطور کلی، موارد ذیل می‌بایست به عنوان هدفهای آموزش و ترویج تعاون برای نهاد خانواده موردنظر برنامه‌ریزان، مجریان و مروجان آموزشهای تعاون قرار گیرد:

- مشارکت در تصمیم‌گیری گروهی
- تقویت احساس مسئولیت در نزد اعضای خانواده‌ها
- تلاش برای برقراری ارتباط صمیمی بین اعضای خانواده‌ها و خانواده‌با جامعه
- ایجاد جو حسن نیت متقابل برای افزایش وحدت بین اعضای خانواده و جامعه
- شیوه‌های مناسب جذب خانواده‌ها از سوی تعاونیها
- برداشتن موانع ارتباطی خانواده‌ها و اعضای آنها با تعاونیها
- تقویت مهارتهای ارتباطی خانواده و بخش تعاون
- ایجاد روحیه رقابت سالم و سازنده میان اعضای خانواده
- ایجاد شرایط مطلوب برای همکاری تعاونیها و خانواده‌ها
- تقویت فرهنگ مشارکت در بین خانواده و ...

منابع و ماخذ:

- کاتفیلد، جک و ویکتور هسنس مارک، «نغمه عشق»، ترجمه پروین قلمی، انتشارات ترنا (۱۳۷۶)
- کالن سلور، جی و دیگران، «برنامه‌ریزی درسی برای تدریس و یادگیری بهتر»، مترجم: دکتر غلامرضا خوبی‌نژاد، انتشارات آستان قدس، مشهد (۱۳۷۲)
- ابراهیم‌زاده، عیسی، «آموزش بزرگسالان»، انتشارات دانشگاه پیام‌نور، تهران (۱۳۷۳)
- هک، ژاک، «سرملیه‌گذاری برای آینده»، انتشارات مدرسه، تهران (۱۳۷۲)
- سازمان مرکزی تعاون کشور، «آموزش و ترویج در نهضت تعاون»، نشریه شماره ۲۵، تهران (۱۳۵۲) - عباسی، محمدرضا، «مروج تعاون و تعارض نقشها»، مجله تعاون، شماره ۷۲ (شهریورماه ۱۳۷۶)